کاخ سفید با کلمات بازی می‌کند یا عقب می‌نشینند؟

آمریکا «بدون پیش شرط»

۲و۳

آیت ماندگار

کمک در بحرانی ترین شرایط

نوای همدلی ایران‌خودرو با هموطنان سیل زده ۲و۳

نگاهی به آغاز نهضت امام خمینی

۱۵ خرداد در مطبوعات جهان ۸

جنایت و مکافات یک وزیر و شهردار!

محمدرضا زمانی درمزاری
حقوقدان ۷

تلویزیون و سریال هایی که به خشم جامعه دامن می‌زنند

حامد محمدی کنگرانی
روان‌پزشک ۶

Ayatemandegar
biweekly

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی|شماره ۷۸|نیمه دوم خرداد ۱۳۹۸|سال پنجم|هشت صفحه|قیمت ۱۰۰۰ تومان|No.78 First of June 2019|Political, Social

www.ayatemandegar.ir

نگاهی به نحوه پوشش خبری ماجرای قتل همسر دوم نجفی در رسانه‌ها

شلیک به اخلاقیات!

۴و۵

سرمقاله

راه نجات محیط زیست کشور چیست؟

عباس محمدی
کارشناس محیط زیست ۸

اشاره

نوای همدلی ایران‌خودرو با هموطنان سیل‌زده

گروه صنعتی ایران خودرو همواره در حوادث و بلایای طبیعی از حادثه‌دیدگان پشتیبانی و حمایت مسئولانه‌ای داشته و وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی خود را به انجام رسانده است. مشارکت در امدادرسانی به زلزله‌زدگان استان کرمانشاه در سال ۹۶ و یاری‌رسانی به سیل‌زدگان در نوروز ۹۸ از جمله نمونه‌های اخیر در اقدامات خیرخواهانه و بشردوستانه ایران خودرو است.

همزمان با آغاز فعالیت نیروهای امدادی به مناسبت برگزاری جشنواره نوروزی خدمات ایران خودرو، بلای سیل بر پیکر تعدادی از شهرها و روستاهای کشور افتاد، از این‌رو نیروهای امدادی ایران خودرو به صورت ویژه به مناطق سیل‌زده در شمال کشور اعزام شدند تا یاری‌گر امدادخواهان در این مناطق باشند.

گروه صنعتی ایران خودرو چهارده اکیپ اختصاصی در استان‌های شمالی کشور تجهیز و فعال کرده بود که خدمت‌رسانی تا برقراری شرایط عادی در منطقه ادامه داشت.

مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو مجموعه خدمات پس از فروش این شرکت را موظف کرد تا با افزایش نیرو، امدادرسانی به آسیب‌دیدگان را با امکانات بالاتری انجام دهند. در ایام تعطیلات نوروز، مدیران خدمات پس از فروش نیز، برای نظارت و سرکشی بر کیفیت امدادرسانی در مناطق سیل‌زده حضور یافتند.

علاوه بر شهرهای شمالی، شهرهای جنوب و غرب کشور نیز به دلیل وقوع سیلاب و ضرورت امدادرسانی ویژه، مقصد امدادگران ایساکو بود.

همزمان با آماده‌باش سراسری خدمات پس از فروش ایران خودرو به دلیل شرایط نامساعد جوی در استان‌های غرب و جنوب غربی کشور ۹۰ اکیپ و پایگاه‌های امدادی ثابت و سیار ایران خودرو در جشنواره خدمات نوروزی به هموطنان سیل‌زده خدمات ارئه دادند. همچنین با دستور مدیریت ارشد گروه صنعتی ایران‌خودرو در خصوص ارائه خدمات ویژه به هموطنان سیل‌زده، علاوه بر ۹۰ اکیپ مستقر برای ارایه خدمات امداد نوروزی ایران‌خودرو، ۱۰ اکیپ اختصاصی تجهیز شده امدادی نیز برای کمک و ارائه خدمات به هموطنان آسیب‌دیده از سیل به شیراز، ۳ اکیپ به منطقه پل دختر، ۷ اکیپ به خرم آباد و ۹ اکیپ به اهواز اعزام شدند.

دفتر منطقه‌ای خدمات پس از فروش ایران خودرو مستقر در شیراز و اهواز جهت هماهنگی و پشتیبانی مناسب‌تر نمایندگی‌های مجاز حاضر در طرح، پایگاه‌های ثابت و سیار امدادی به حالت آماده‌باش کامل درآمدند.

برخی از نمایندگی‌های خدمات پس از فروش ایران خودرو فراتر از مسئولیت و وظایف خود عمل کرده و به یاری هموطنان سیل‌زده شتافتند. نمایندگی ۲۴۵۱ شوشتر این شرکت در استان خوزستان خدمات ویژه‌ای به همشهریان خود ارائه کرد. این نمایندگی تهیه لوازم بهداشتی کودکان و توزیع روزانه ۳۵۰ غذا برای هموطنان در شعیبیه (شادُروان) را به مدت یک‌ماه به عهده گرفته و ۵ نفر از کارکنان این نمایندگی برای کمک‌رسانی

تلنگر

کاخ سفید با کلمات بازی می‌کند یا عقب می‌نشیند؟

آمریکا «بدون پیش شرط»

اعلام آمادگی پمپئو برای مذاکره «بدون پیش شرط» با کشورمان و در عین حال منوط کردن گفت‌وگوها به زمانی که ایران «مانند یک کشور عادی رفتار کند»، در راستای تداوم جنگ روانی واشنگتن علیه تهران تفسیر می‌شود. همچنین، عقب نشینی و موضع گیری‌های تهاجمی مقام‌های آمریکایی که به طور متناوب صورت می‌گیرد، از دید طیفی از ناظران از سردرگمی و نبود استراتژی مشخص در واشنگتن برای مواجهه با ایران نشان دارد.

اظهارات اخیر «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا در نشست خبری مشترک با وزیر خارجه سوئیس در خصوص ایران، یک بار دیگر نگاه رسانه‌ها را متوجه مناسبات منحصر بفرد تهران و واشنگتن کرده است.

وزیر خارجه آمریکا که روز یکشنبه دوازدهم خرداد برای شرکت در نشستی محرمانه، میهمان وزیر خارجه سوئیس بود، در کنفرانس خبری مشترک در پاسخ به پرسشی در خصوص احتمال مذاکره با ایران اظهار کرد که آمریکا آماده مذاکره «بدون پیش‌شرط» با ایران است اما افزود که لازم است تا ایران مانند «یک کشور عادی» رفتار کند.

از دید برخی ناظران اظهارات «دوپهلوی» وزیر خارجه آمریکا را می‌توان در چارچوب افزایش «انعطاف کلامی» مقام‌های آمریکایی در قبال تهران در روزهای گذشته تحلیل و تفسیر کرد؛ انعطافی که به گفته تحلیلگران کاملا محسوس و البته معنادار است.

برخی این انعطاف مواضع را در راستای تداوم جنگ روانی واشنگتن در برابر تهران و در چارچوب حداکثرسازی فشارها تفسیر می‌کنند، برخی دیگر از تحلیلگران، این نرمش را ناشی از استیصال واشنگتن در برابر تهران می‌دانند. به گفته این ناظران، مقاومت جانانه مردم در برابر فشارهای آمریکایی، مقام‌های واشنگتن را برای حفظ «حیثیت سیاسی» خود، به عقب‌نشینی در مواضع سرسختانه اخیرشان واداشته است.

آیا نرمش مواضع، بازی کلامی است؟

اظهارات اخیر پمپئو مبنی بر آمادگی آمریکا برای مذاکره بدون پیش شرط با ایران در حالی مطرح شده که او در بخش دیگری از گفت‌وگوی خبری خود، بار دیگر اتهامات ادعایی تکراری واشنگتن را علیه کشورمان مطرح کرد. پمپئو با تکرار این ادعا که «ایران به تلاش‌های توسعه‌طلبانه خود در تمام دنیا ادامه می‌دهد»، گفت: این همان چیزی است که آمریکا به دنبال تغییر آن است.

ضد و نقیض موضع گیری وزیر خارجه آمریکا در این گفت‌وگو، بار دیگر ایده مواضع سینوسی و سیاست مکمل راهبرد فشار و تاکتیک مذاکره را در ذهن ناظران پررنگ کرده است؛ سیاستی که در نتیجه هوشیاری شخص رهبری و مسئولان جمهوری اسلامی به هدف مطلوب آمریکا منجر نخواهد شد.

پمپئو از سویی مذاکره بدون پیش شرط را مطرح می‌کند و از سویی دیگر گفت‌وگو را به «عادی رفتار کردن ایران» منوط می‌کند. «بازیگر عادی» بودن همان هدفی است که وزیر خارجه آمریکا یک سالی می‌شود از طریق مطرح کردن شروط ۱۲ گانه برای مذاکره با ایران دنبال می‌کند؛ شروطی که

به مردم این شهر مامور شده‌اند. نمایندگی ۲۳۰۴ الیگودرز، شرایط اسکان مسافران نوروزی را فراهم کرد و نمایندگی ۲۲۰۱ شیراز نیز خدمات خود را به صورت شبانه‌روزی به امدادخواهان ارائه کرده است. همچنین نمایندگی ۲۳۰۷ خرم آباد نیز، بدون وقفه به کمک سیل‌زدگان شتافت و علاوه بر خدمات خودرویی برای آن‌ها تامین غذا، وسایل خوراک و... را به عهده گرفته بود.

شرکت خدمات پس از فروش ایران خودرو (ایساکو) در ایام نوروز ۹۸، علاوه بر ارائه خدمات از پیش برنامه‌ریزی شده خود با عنوان جشنواره خدمات نوروزی، همزمان با وقوع بحران سیل، بیش از ۱۰۰ اکیپ ویژه به استان‌های گلستان، لرستان، خوزستان، فارس و مازندران اعزام کرد و در مجموع بیش از دو هزار خدمات خودرویی و سه هزار نفر ساعت خدمات غیرخودرویی اعم از خارج کردن خودروها از میان سیلاب و گل و لای، جابجایی لوازم مورد نیاز مردم، توزیع مواد غذایی و... ارائه کرد. امدادگران ایساکو تا بازگشت به شرایط عادی، در مناطق گرفتار در سیل حضور داشتند.

تحویل کمک‌های مردمی کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو به هلال احمر

کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو که همواره با تمایلات بشردوستانه خود در وقایع و حوادث یاور هموطنان هستند، این بار نیز با جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود، با هموطنان خود در مناطق سیل‌زده کشور ابراز همدردی کرده و به کمک آنان شتافتند.

با آغاز سال کاری ۹۸، با دستور مدیریت ارشد گروه صنعتی ایران خودرو «ستاد کمک‌های مردمی کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو» در راستای مسئولیت‌های اجتماعی این خودروساز به منظور امدادرسانی به خانواده‌های آسیب‌دیده در سیل مناطق مختلف کشور تشکیل شد.

تعدادی چادر برای دریافت کمک‌های غیرنقدی شرکت مادر و شرکت‌های تابعه برپا شد که بسیاری از کارکنان مشتاقانه، اقلام غیرنقدی اعلام شده از سوی ستاد را تامین و به سیل‌زدگان هدیه کردند. هدایای جمع‌آوری شده در چند بخش اقلام ضروری زندگی شامل: ست کامل رختخواب، چادر مسافرتی، ظروف غذاخوری، لباس، پتو، لوازم و بسته‌های بهداشتی، کفش، کیف، شیرخشک، پوشک بچه و... همچنین مواد غذایی مختلف خشک و کنسروی بسته‌بندی شده و در قالب ۳ کامیون بارگیری و به منظور ارسال به مناطق سیل‌زده کشور در اختیار جمعیت هلال احمر قرار گرفته و به مناطق سیل‌زده ارسال شده است.

همچنین، کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو به صورت داوطلبانه، مبالغی برای کسر از حقوق ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خردادماه اختصاص دادند که این مبالغ نیز از طریق جمعیت هلال احمر در اختیار هموطنان سیل‌زده قرار خواهد گرفت.

کمک‌های مردمی ایران خودرو دیزل

کارکنان شرکت ایران خودرو دیزل نیز با تشکیل گروه‌های جهادی برای تسکین بخشیدن به آلام هموطنان سیل‌زده پیش‌قدم شده و به این مناطق اعزام شدند.

تا ابتدای اردیبهشت‌ماه، ۶۰ نفر از همکاران شرکت ایران خودرو دیزل در قالب گروه‌های جهادی ۱۰ تا ۱۵ نفره به مناطق سیل‌زده اعزام شدند.

یکی از اقدامات اصلی گروه‌های جهادی اعزام شده به مناطق سیل‌زده انجام خدمات فنی و مهندسی بوده است. از جمله این اقدامات می‌توان به سیم‌کشی و نصب روشنایی و برق‌رسانی به چادرهای سیل‌زدگان (بیش از ۵۴ چادر در پلدختر لرستان، بیش از ۸۲ چادر در منطقه ... اکبر خوزستان)، برپایی بیش از ۱۵ دستگاه سرویس بهداشتی (حمام و توالت) شامل خریداری و نصب کلیه تجهیزات، لوله‌کشی، نصب (پمپ‌های فشار و...) اشاره کرد.

یکی دیگر از اقدامات قابل توجه گروه‌های جهادی شرکت ایران خودرو دیزل ارائه خدمت به هموطنان سیل‌زده، طبخ و توزیع بیش از ۱۰۰ هزار وعده غذای گرم در مناطق سیل‌زده از جمله روستاهای ابو بقال، ابوطیور، شعیبیه و حمیدیه و همچنین مناطق تپه‌های ... اکبر استان خوزستان و همچنین منطقه پلدختر استان لرستان بوده است.

یکی از نکات قابل توجه در مناطق سیل‌زده از بین رفتن امکانات زیرساختی و تخریب محل اسکان سیل‌زدگان بوده است.

در این خصوص گروه‌های جهادی برای بازگشت آرامش و امکان اسکان

دوباره سیل‌زدگان، برنامه‌ریزی لازم را در مناطقی همچون روستای بابازید منطقه پلدختر لرستان انجام داده و در کنار سایر گروه‌های جهادی به ارائه خدماتی همچون تخلیه منازل از گل و لای، شست‌وشو و تجهیز دوباره منازل به امکانات زیرساختی شامل آب، برق و... پرداختند.

تغییر ماهیت و افت جایگاه و نقش منطقه‌ای ایران را هدف‌گذاری کرده است.

این مغالطه‌گویی نشان می‌دهد آمریکا هنوز از پیش شرط‌های خود برای مذاکره با ایران صرف‌نظر نکرده است، بلکه این پیش شرط‌ها را چون مفروضی قابل دست‌یابی اما قابل پیگیری در پس زمینه گفت‌وگوی احتمالی قرار داده است.

از این رو است که دستگاه دیپلماسی کشورمان، اظهارات وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر آمادگی بدون پیش شرط ایالات متحده برای مذاکره با ایران را «بازی با کلمات» و «بیان اهداف پنهانی در قالب کلمات جدیدی» دانست که ملاک عمل جمهوری اسلامی ایران قرار نخواهد گرفت.

به گفته «سیدعباس موسوی» سخنگوی وزارت امور خارجه، تغییر رویکرد کلی و رفتار عملی ایالات متحده آمریکا در قبال ملت ایران ملاک است. تأکید پمپئو مبنی بر تداوم کارزار فشار حداکثری بر ایران نشان‌دهنده تداوم رویکرد نادرست قبلی است که لازم است اصلاح شود.

تا زمانی که پیش شرط‌های گفت‌وگوی عادلانه مهیا نباشد و واشنگتن به ایران احترام نگذارد و رفتارهای خود را اصلاح نکند، نمی‌توان حتی به این گزینه فکر کرد.

«حسن روحانی» رییس جمهوری کشورمان شنبه (۱۱ خرداد) در دیدار با ورزشکاران و قهرمانان ملی با اشاره به اینکه در طول این مدت نشان دادیم در برابر قدرت‌های زورگو و زیاده‌خواه، تسلیم نمی‌شویم، تاکید کرد: ما اهل منطق و مذاکره‌ایم، اگر با احترام کامل و در چارچوب مقررات بین‌المللی به کنار میز مذاکره بنشیند و نه اینکه فرمان مذاکره صادر کند.

ولی آنچه اکنون می‌بینیم، پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکا، آن هم از موضعی زورگویانه و قلدرمآبانه است، نه پیشنهادی برای گفت‌وگوی هدفمند و عادلانه.

به همین دلیل است که رهبر انقلاب چهارشنبه گذشته در دیدار با استادان و اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها مذاکره با آمریکا را نه تنها بی‌فایده بلکه برای کشور مضر دانستند.

آیا آمریکا از موضع خود عقب‌نشینی کرده است؟

پس از یک دوره رفتارهای خصمانه عیان در قبال تهران که به «تروریست» نامیدن ایرانیان و تهدید به «نابودی ایران» در کلام و قشون‌کشی نظامی در عمل هم کشیده شد، چندی است مقام‌های واشنگتن لحن کلام خود را تعدیل کرده و از «خیرخواهی» برای ایران و قصد خود برای «احیای عظمت ایران» سخن می‌گویند و تنها راه رسیدن به این اهداف را «مذاکره با آمریکا» معرفی می‌کنند.

پس از استقرار ناوهای هواپیمابر و سامانه موشک‌های پاتریوت در منطقه و تشدید تنش با ایران، اکنون مقام‌های آمریکایی در کنار تکرار پیشنهاد مذاکره، در جستجوی یک میانجی برای زمینه‌سازی و تسهیل گفت‌وگو با ایران هستند. سفرهای اخیر مقام‌های آمریکایی به عراق، ژاپن، آلمان و سوئیس هم در همین راستا تفسیر می‌شود. بررسی اظهار نظرهای اخیر مقام‌های واشنگتن که نشانه‌هایی از تعدیل مواضع را در خود دارد، این گزاره را تأیید می‌کند که آمریکایی‌ها در مقطع زمانی کنونی فتیله تنش علیه ایران را پایین کشیده‌اند.

پمپئو در سفر اخیر خود به آلمان، در گفت‌وگو با «هایکو ماس» وزیر خارجه این کشور گفت: آمریکا با راه‌اندازی سازوکار مالی ایران و اروپا موسوم به «اینستکس» مشکلی ندارد، به شرط اینکه مبادلات با تهران شامل کمک‌های بشردوستانه باشد و اجناس مورد معامله نیز دارای مجوز باشند. در حالی پمپئو اینستکس را به صورت مشروط مورد پذیرش قرار داده که پیش از این آمریکایی‌ها به طور کلی با ماهیت ایجاد سازوکار مالی میان ایران و اروپا مخالفت می‌کردند. هرچند شروطی که پمپئو برای موافقت با اینستکس گذاشته، در عمل تغییری در نتیجه عملیاتی‌سازی این سازوکار ندارد، ولی تغییر (هرچند ظاهری) رویکرد واشنگتن محسوس و قابل توجه است.

خود ترامپ هم هفته پیش در جریان سفر به ژاپن و دیدار با «شینزو آبه»، ضمن درخواست نقش میانجیگری از نخست وزیر این کشور، موضعی نرم‌تر در برابر ایران اتخاذ کرد و با لحنی ملایم‌تر تاکید کرد که به دنبال تغییر نظام ایران نیست و «تنها هدفش» جلوگیری از دست‌یابی تهران به سلاح هسته‌ای است.

برخی، موضع گیری‌های اینچنینی را به عقب نشینی آمریکا تعبیر می‌کنند؛ عقب نشینی ناگزیری که واکنش به مقاومت ایران است.

مقاومت ایران، برنامه‌های واشنگتن را به هم ریخت

بسیاری از ناظران، ستیز و نرمش‌های پیاپی کلامی و عملی آمریکا در قبال کشورمان را ناشی از نداشتن استراتژی و برنامه مشخص در دولت آمریکا برای مواجهه با تهران می‌دانند. از دید این گروه، اینکه ترامپ و پمپئو از سویی بر حداکثرسازی فشارها علیه تهران تاکید می‌کنند و از سویی دیگر از مذاکره سخن می‌گویند، اینکه گاهی از نابودی ایران سخن می‌رانند و از سویی دیگر مواضع همدلانه با ملت ایران نشان می‌دهند، از نبود راهبرد مشخص در دولت ترامپ برای مواجهه با تهران نشأت می‌گیرد.

در چنین فضایی و از نگاه ناظران، تلاش برای کشاندن ایران پای میز مذاکره، برای ترامپ و تیم همراه او تنها مصارف انتخاباتی و سیاسی دارد؛ چنانکه تجربه مذاکره با رهبر کره شمالی هم تقریباً هیچ دستاورد عینی نداشت و جز توافقی روی کاغذ نبوده که به نام ترامپ به ثبت رسیده و در موقع مقتضی به کار می‌آید.

اتخاذ مواضع سینوسی مقام‌های واشنگتن، بیش از آنکه مسأله‌ای در حوزه سیاست خارجی واشنگتن باشد، برای ترامپ مسأله‌ای با مصارف داخلی است؛ بنابراین هرچه به انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا نزدیک می‌شویم، بسامد این توابع سینوسی تشدید و فاصله زمانی آن کوتاه‌تر خواهد شد.

ولی گویا مقاومت جانانه ایران در برابر فشارهای چندوجهی آمریکا، تمام برنامه و طرح‌های ترامپ برای تهران را به هم ریخته است. شاید بتوان مواضع متغیر و دوپهلوی مقام‌های آمریکا را در سردرگمی آن‌ها در انتخاب مواجهه کارآمد با ایران جست و جو کرد.

از دید تحلیلگران، خود آمریکایی‌ها که انتظار چنین مقاومتی را از سوی ملت ایران نداشتند، حال در تنگنا قرار گرفته و ناگزیرند در مواردی از مواضع تند و سرسختانه خود عقب بنشینند. به گفته رییس جمهوری در دیدار با ورزشکاران، دشمنان آرزوی واهی داشتند که ملت ایران را وادار به تسلیم کنند، اما تا امروز علی رغم سختی و مشکلات، مردم در برابر فریادهای دشمن با غرش قهرمانانه مقاومت کردند.

رییس‌جمهور ادامه داد: دشمنی که تا سال گذشته اعلام می‌کرد هدفم از بین بردن نظام جمهوری اسلامی ایران است امروز به صراحت اعلام می‌کند کاری با نظام ندارد. دشمنی که تا چند ماه قبل ادعا می‌کرد بزرگترین قدرت نظامی جهان است و اگر اراده کند نیروهای مسلح ایران را می‌تواند درهم بشکند، امروز اعلام می‌کند که قصد جنگ ندارد و چند ماه پیش خلیج فارس، جولانگاه ناوهای آن‌ها بود اما امروز از ناوگان آن‌ها خبری نیست و تا ۳۰۰ و ۴۰۰ مایلی دورتر در آب‌های بین‌المللی لنگر انداخته‌اند.

بر این مبنا حتی اگر اظهارات اخیر پمپئو مبنی بر آمادگی آمریکا برای مذاکره بدون شرط، بازی روانی و کلامی باشد، از استیصال آمریکایی‌ها برای اتخاذ راهبرد مؤثر در تسلیم کردن ایران نشان دارد؛ اتخاذ مواضع سینوسی مقام‌های واشنگتن، بیش از آنکه مسأله‌ای در حوزه سیاست خارجی واشنگتن باشد، برای ترامپ مسأله‌ای با مصارف داخلی است؛ بنابراین هرچه به انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا نزدیک می‌شویم، بسامد این توابع سینوسی تشدید و فاصله زمانی آن کوتاه‌تر خواهد شد.

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
شماره ۷۸
نیمه دوم خرداد ۱۳۹۸

بررسی

نگاهی به نحوه پوشش خبری ماجرای قتل همسر دوم نجفی در رسانه‌ها

شلیک به اخلاقیات!

روز سه‌شنبه ۷ خردادماه در منطقه سعادت آباد تهران، «میترا استاد» همسر دوم محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران در منزل مسکونی‌اش به قتل رسید که پس از چند ساعت، نجفی با حضور در دادسرا اعتراف به قتل «استاد» کرد و دستگیر شد.

عملکرد صداوسیما در پوشش خبری این پرونده نیز مورد توجه رسانه‌های داخلی قرارگرفته است به طوری که رسانه‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب معتقدند: صداوسیما حق پخش تصویری یک متهم را قبل از اثبات جرم نداشت، بنابراین به دنبال تخریب اصلاحات بود.

رسانه‌های اصلاح‌طلب

رسانه‌های اصلاح‌طلب معتقدند: اغلب تیرهایی که از سوی جریان رقیب برای ماجرای آقای نجفی انتخاب شد، سیاسی بود. نه‌تنها رسانه‌های رقیب [اصولگرا] بلکه صداوسیما هم از هر فرصتی استفاده می‌کند تا اصلاحات را تخریب و به آن شلیک کند. متاسفانه در برخی مواقع، کار صداوسیما اساساً تبدیل یک شرایط نامساعد به اوضاع بحرانی است.

از طرفی، اصلاح‌طلبان که عمدتاً به همان حزب کارگزاران نیز نزدیک هستند سعی کردند نجفی را غیرخودی یا به بیان دقیق‌تر اصلاح‌طلبی که دیگر ارتباطی به حزب کارگزاران ندارد معرفی کنند و از او فاصله بگیرند. عملکرد شتاب‌زده و ظاهراً از سر ذوق صداوسیما و رسانه‌های مخالف اصلاحات، روزنامه حزب کارگزاران سازندگی و دبیرکل آن به دلیل عصبانیت یا هر دلیل دیگری از روی شتابزدگی بود و واکنش کارگزارانی‌ها را باید مصداق گل به خود دانست.

نقد عملکرد صداوسیما و حزب کارگزاران در پرونده نجفی

روزنامه اعتماد در بخشی از گزارش منتشر شده خود آورده است: انتشار تصاویر این ماجرا از طریق یک شبکه تلویزیونی و متعاقباً بازنشر آن در فضای مجازی، چنان که انتظار می‌رفت بار دیگر صداوسیما را هدف انتقادها قرار داد اما واقع امر به نظر از اوضاعی وخیم‌تر از آن انتقادهای همیشگی حکایت داشت. اینکه انگار کار صداوسیما اساساً تبدیل یک شرایط نامساعد به اوضاع بحرانی است... اوضاعی چنان وخیم که بار دیگر ناظران را به این باور نزدیک کرد که شاید اثرات و عواقب غیاب چنین رسانه‌ای، به‌مراتب بیش از حضورش راهگشا باشد و بعضی هم گفتند که نقش صداوسیما، کارکرد کاتالیزوری است که می‌تواند سرعت ویرانی‌ها و اثرات منفی ناشی از هر اتفاق و رویدادی را دوچندان ساخته و متعاقباً بر شدت اثرات این خرابی‌ها نیز بیفزاید. وقتی یک چهره سرشناس سیاسی مرتکب اقدامی نامتعارف همچون آنچه از نجفی سر زد، می‌شود، صداوسیما نیز با پوشش رسانه‌ای نامتعارف از آن اقدام نامتعارف، دست بکار خلق بحرانی مضاعف می‌شود. هرچند بخش قابل توجهی از انتقادهایی که لاقل در این فقره پرونده قتل استاد به صداوسیما وارد شد، به دیگر رسانه‌ها و البته فضای رسانه‌ای مجازی و برخط نیز وارد بود.

برخی ناظران نوشته و گفتند اکنون که موضوع و اتفاقی که نجفی را درگیر خود ساخته، نه لزوماً بحثی سیاسی و تشکیلاتی، بلکه مساله‌ای شخصی بوده و او را این‌چنین در مهلکه سختی‌ها درانداخته، وقت آن است که «دوستان قدیمی» پای کار بیایند و نگذارند بین انبوه خبرنگاران تلویزیونی و غیرتلویزیونی تنها بماند. این در حالی بود که به باور برخی دیگر از همین ناقدان، این دوستان قدیمی نه‌تنها وظیفه داشتند که نگذارند نجفی تنها بماند، باید به خانواده میترا استاد -زن جوانی که قربانی این حادثه تلخ شد- نیز سرکشی کنند و بویژه مانع از آن شوند که آینده فرزند ۱۳ ساله‌اش نیز نابود شود؛ اما نه‌تنها چنین نشد بلکه از قضا اقدام عجیب دیگری از سوی رسانه‌ها، بویژه یک مطبوعه نزدیک به اصلاح‌طلبان شهرداری نیز سر زد و این نشریه همراه و همگام با برخی حساب‌های توییتری و اینستاگرامی، اقدام به انتشار تصاویر پسر ۱۳ ساله میترا استاد کرد.

«شلیکی با تصوری غلط و پر از خطا» عنوان یادداشتی است که در روزنامه اعتماد منتشر شده است. در بخشی از این مطلب می‌خوانیم: عملکرد شتاب‌زده و ظاهراً از سر ذوق صداوسیما و رسانه‌های مخالف اصلاحات هر چند در ابتدا توانستند فضاسازی مطلوب را ایجاد کنند اما با روشن شدن این واقعیت‌ها و ابعاد موضوع و ریشه‌های آن می‌توان گفت نشانه‌گیری آن‌ها برای شلیک به قلب اصلاحات با تصورشان غلط و پر از خطا بوده است. شاید اگر به این نحو و با این رویکرد از سر ذوق و هیجان برای ضربه زدن به رقیب وارد نمی‌شدند، نتیجه بهتری می‌گرفتند.

اعتماد در یادداشتی با عنوان «واکنش کارگزارانی‌ها، مصداق گل به خودی» به نقل از «سخنگوی حزب اعتماد ملی» نوشت: اما اینکه در ماجرای آقای نجفی، صداوسیما در شادکامی کامل با آقای نجفی مصاحبه‌ای ترتیب می‌دهد بدون اینکه گردش کاری جرم جنایی طی شده باشد، تخلف است. در واقع گویی صداوسیما منتظر زمانی برای شلیک بود که اصلاح‌طلبان را از پا در بیاورد، اما این اقدام نسنجیده صداوسیما باعث شد که بار دیگر افکار عمومی علیه صداوسیما قرار بگیرد... صداوسیما حق پخش تصویری یک متهم را قبل از اثبات جرم نداشت، بنابراین به دنبال تخریب اصلاحات بود... رویکرد کارگزارانی‌ها به ماجرای قتل رخ داده از سوی آقای نجفی، هیجانی بود برای اینکه این حزب را از مشکل پیش آمده برای نجفی جدا کنند. به هر حال آقای نجفی از اعضای کارگزاران بوده و رویکرد کارگزاران با او قابل نقد است.

روزنامه آرمان نیز به نقل از انتخاب در گزارشی با عنوان «مزایای رفتار عجیب صداوسیما در قبال نجفی، ماجرای مداح هتاک و خبط تلویزیون ناگهان فراموش شد!» نوشت: عملکرد صداوسیما در نحوه اطلاع‌رسانی پرونده قتل همسر محمدعلی نجفی، شهردار پیشین تهران به قدری عجیب و غیرعادی بود که سخت بتوان پذیرفت خود مسئولان صداوسیما متوجه این موضوع نشده باشند... پس ماجرا چیست و چرا صداوسیما به این موضوع تن داده و حاضر شده تا انتقادها را به جان بخرد؟ برای پاسخ، باید به چند روز قبل بازگردیم. زمانی که در پخش زنده یک مداحی در شبکه سیما، یک مداح در توهینی بی‌سابقه در تاریخ پخش زنده تلویزیون، مقدسات اهل سنت را مورد اهانت قرار داد. کمی بعد مشخص شد مداح مذکور داماد خواهر محمود احمدی‌نژاد بوده... در چنین شرایطی که گویا صداوسیما هیچ توجیهی برای رفتار خود نداشت، ناگهان ماجرای محمدعلی نجفی به دادش رسید... یک مجال مناسب به صداوسیما داد تا از انتقادها فرار کند. حالا صداوسیما نه تنها ماجرای هتاک را فراموش شده می‌بینند بلکه فرصت حمله به مخالفان سیاسی خود را نیز فراهم کرده است. ماجرای مداح مذکور نیز فراموش شده تا حدی که حتی خبر آزادی او به قید وثیقه نیز بازتابی نیافت.

تاثیر اقدام نجفی بر جریان اصلاحات

روزنامه اعتماد در مطلبی با عنوان «پنج گلوله و یک جریان» نوشت: عده‌ای مصائب نجفی را کاملاً شخصی می‌دانستند، مساله‌ای در «زندگی خصوصی استاد و نجفی». عده‌ای دیگر اما یک جریان را متاثر از این قتل می‌دانستند، مساله‌ای احتمالاً عاطفی برای «جریان چپ سیاسی»، عده‌ای پای «پرستوها» را به ماجرا باز کردند و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی را در وقوع جرم دخیل دانستند، عده‌ای دیگر اما بروز ناگهانی خشم را برای توضیح و تفسیر یک طرد شده سیاسی مناسب‌تر می‌دانستند. همین تحلیل و تفسیرهای مختلف این سوال را ایجاد کرد که آیا به واقع گلوله‌های نجفی به سمت قلب اصلاحات شلیک شده یا تنها قلب همسر دومش را از کار انداخته است؟ اما موضوع دیگری که در جریان این قتل سیاست‌زده به چشم آمد، واکنش یاران قدیم نجفی و همراهان کارگزارانی‌اش بود. برخی معتقد بودند که نوعی انتقام‌جویی سیاسی در جریان است؛ انتقام‌جویی برای رییس شورای شهری که شهردار نشد.

نقد عملکرد اصولگرایان

روزنامه اعتماد نوشت: روزنامه وطن امروز عکسی از نیم‌رخ نجفی با تیتر «شلیک به قلب اصلاحات» منتشر کرد تا اگر نجفی نمی‌خواست یک جریان سیاسی را به زندگی خصوصی‌اش گره بزند اما جریان اصولگرا می‌خواهد این موضوع را به فونت درشت و عکسی سیاه به نمایش گذارد.

این روزنامه در مطلب دیگری نوشت: اغلب تیرهایی که از سوی جریان رقیب برای ماجرای آقای نجفی انتخاب شد، سیاسی بود. تیر شلیک به قلب اصلاحات نیز در همین دسته قرار می‌گیرد که در راستای تخریب جریان اصلاحات بود. همه بر این امر واقف هستیم که نه‌تنها رسانه‌های رقیب بلکه صداوسیما هم از هر فرصتی استفاده می‌کند تا اصلاحات را تخریب کند و به آن شلیک کند. اتفاقاً بیشتر از اینکه ماجرا آقای نجفی شلیک به اصلاحات باشد بیشتر شلیک‌ها از سوی جریان اصولگرا صورت می‌گیرد.

آخرین دفاع محمدعلی نجفی در دادسرا

به گزارش روزنامه شرق، محمدعلی نجفی که به اتهام قتل همسر دومش بازداشت است برای آخرین‌بار در دادسرا از خودش دفاع کرد. او دیروز یک ساعت به‌صورت خصوصی با وکلایش دیدار کرد. روز گذشته اولین روزی بود که همه طرفین پرونده برای پیگیری موضوع در دادسرا

حاضر شده بودند. مسعود استاد، برادر میترا استاد، همسر دوم نجفی، نیز در جمع خبرنگارانی که در دادسرای جنایی تهران حضور داشتند، گفت: قتل خواهرم سیاسی نیست و دلایل کاملاً خانوادگی دارد. من مدارکی دارم که نشان می‌دهد آقای نجفی همسر اولش را طلاق داده است، اما حالا می‌گویند او را طلاق نداده‌اند. دلیل قتل، مصاحبه‌ای بود که قرار بود با خواهرم انجام شود.

روز جمعه ما در دادسرای جنایی بودیم. آقای نجفی شخصاً با من یک ساعت صحبت کردند تا بتوانند رضایت بگیرند، اما ما رضایت نمی‌دهیم. خیلی مسائل هست که می‌دانم، اما حالا وقت گفتنش نیست و من بعد از صدور حکم درباره آن صحبت خواهم کرد و واقعیت‌هایی را خواهم گفت. او در پاسخ به این سؤال که چرا پرونده تا این حد سریع رسیدگی شد، گفت: این پرونده از حد ملی خارج شده و جهانی شده و قوه قضاییه هم ویژه به آن رسیدگی کرده است.

عزل وکیل نجفی

فرارو در گزارشی با طرح سوالی مبنی بر «نجفی وکیل خود را عزل کرده؟» نوشت: نجفی، علیزاده طباطبایی وکیل خود را در پرونده قتل میترا استاد عزل کرد. یک منبع آگاه در گفت‌وگو با فرهیختگان گفت که محمدعلی نجفی شهردار اسبق تهران متهم پرونده قتل میترا استاد، علیزاده طباطبایی وکیل پرونده خودش را عزل کرد. بنظر می‌آید بیان اظهارات غلط که باعث ضربه به نجفی شده، علت این تصمیم بوده است. طی روزهای اخیر انتقاد از اظهارات علیزاده شدت گرفته بود. محمود علیزاده طباطبایی که بعنوان وکیل محمدعلی نجفی در پرونده قتل میترا استاد معرفی شده بود، درباره عزلش از وکالت نجفی که اخباری مبنی بر آن در کانال روزنامه فرهیختگان منتشر شد، گفت: من اطلاع ندارم.

رسانه‌های اصولگرا

رسانه‌های منتسب به جریان اصولگرا معتقد هستند که: رسانه‌های اصلاح‌طلب دست از تلاش برای تبرئه نجفی برنداشتند و بی‌پروا و فقط با نگرش قبیله‌ای، لگدپراکنی به پیکر بی‌جان مقتول را ادامه دادند تا حدی که کم مانده است از قاتل جنایتکار، قدیس بسازند!

برخی از عبارت‌های کانونی استفاده شده در این رسانه‌ها عبارتند از: سقوط اخلاقی مدعیان اصلاح‌طلبی در مواجهه با ماجرای قتل همسر دوم نجفی، آش بی‌اخلاقی‌های برخی خبرنگاران اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبان به‌طرز گسترده‌ای در کسوت حمایت از محمدعلی نجفی برآمده‌اند و حتی شعارهای خود در حمایت از زنان را هم فراموش کرده‌اند، دفاع عجیب و تمام قد اصلاح‌طلبان از قتل میترا استاد توسط نجفی، از سلبریتی‌های فمنیست مانند مهناز افشار که هر اتفاقی را بهانه‌ای می‌کنند تا جامعه ایرانی را زن‌ستیز معرفی کنند، در این ماجرا به یک باره روزه سکوت گرفته‌اند! اصلاح‌طلبان برای به تاخیر انداختن دادگاه و تحت تاثیر قرار دادن دستگاه قضا تحرکات مشکوکی را آغاز کرده‌اند.

انتقاد از عملکرد اصلاح‌طلبان

کیهان در بخشی از گزارش منتشر شده در ستونی نوشت: نوع مواجهه طیف موسوم به اصلاح‌طلب با ماجرای قتل همسر دوم نجفی، نمای دیگری از سقوط اخلاقی مدعیان اصلاح‌طلبی بود. این جریان آلوده نشان داد ابایی ندارد که برای تطهیر همپالگی خود از جنایت، مقتول را یک روز پرستوی اطلاعاتی و روز دیگر مرتکب گناه کبیره جا بزند.

روزنامه جوان نیز در ستون اخبار ویژه خود زیر عنوان «روزنامه اصلاح‌طلب: پرستوسازی از همسر نجفی غیرمنطقی است» نوشت: آش بی‌اخلاقی‌های برخی خبرنگاران اصلاح‌طلب آن‌قدر شور شده که صدای همفکرانشان هم درآمد. روزنامه آفتاب یزد در یادداشتی با عنوان «واکاوی یک قتل» به قلم مجید ابهری آورده: «به نظر می‌رسد عده‌ای عمداً در لباس دوست قصد تشدید اوضاع را دارند. پرستوسازی از خانم استاد و یا برنامه‌ریزی شدن ازدواج ایشان و ارتباط این پرونده با اقدامات زمان شهرداری آقای نجفی اگر ظالمانه نباشد، غیرمنطقی است. چرا که در اصل موضوع یک انسان در یک پیوند نامناسب دچار اختلافات مختلف گردیده و دست به قتل زده است».

در روزهای اخیر تعدادی از خبرنگاران اصلاح‌طلب برای توجیه قتل نفسی که محمدعلی نجفی مرتکب شده، تهمت‌هایی زدند که در واقع ذبح اخلاق برای دفاع از قاتلی بود که هم‌جناحی‌شان است. از جمله این ادعاهای مضحک آن بود که میترا استاد، همسر دوم نجفی با دستگاه‌های اطلاعاتی در ارتباط بوده و با نقشه به نجفی نزدیک شده است. این ادعا نه‌تنها هیچ سندی نداشت، بلکه سوالات دیگری ایجاد می‌کرد، از جمله اینکه چرا نجفی باید در ارتباطی این‌گونه نقطه ضعف نشان دهد و این زن را به عقد خود درآورد؟ و یا چرا -با توجه به سابقه رفتار رسانه‌ای نجفی و علنی کردن مسائل خانوادگی و شخصی- این موضوع مهم را علنی نکرد؟! سال گذشته که تصاویر این ازدواج علنی شد، همین خبرنگاران اصلاح‌طلب می‌گفتند کسی نباید انتقاد کند و این مسائل شخصی فرد است.

در بخشی از گزارش منتشر شده در روزنامه صبح نو می‌خوانیم: اصلاح‌طلبان در روزهای گذشته بعد از این جنایت به‌طرز گسترده‌ای در کسوت حمایت از محمدعلی نجفی برآمده‌اند و حتی شعارهای خود در حمایت از زنان را هم فراموش کرده‌اند. البته آن‌ها به قدری برای سرپوش گذاشتن بر رفتارهای غیراخلاقی نجفی آشفته شده‌اند که در نهایت آقای حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی نیز در این‌باره هشدار داده و خواسته تا به تشتت‌ها پایان دهند.

به گزارش صراط نیوز، مرعشی خواستار توقف مجادله اصلاح‌طلبان درباره نجفی شد. سخنگوی حزب کارگزاران در اطلاعیه‌ای از همه فعالان اصلاح‌طلب خواست تا وحدت جبهه اصلاحات و ظرفیت تاثیرگذاری مثبت برای آینده ایران را پیش‌فرض اعمال خود قرار داده و به تنش‌ها و تشتت‌های ایجاد شده درباره حاشیه‌های بعد از قتل همسر نجفی خاتمه دهند. این واکنش در حالی است که کرباسچی دبیرکل

کارگزاران، حزب اتحاد ملت را به خاطر عدم مراعات توصیه مراجع ذی‌صلاح درباره نجفی و اصرار بر شهرداری وی، سرزنش کرده است.

«سکوت و حمایت سیاسی از یک جنایت» عنوان مطلبی است که در رجا نیوز منتشر شد و آمده است: وقتی سلبریتی‌ها و فعالان حقوق زن برای تطهیر قاتل یک «زن کُردِ بازیگر» دست به کار می‌شوند... دفاع عجیب و تمام قد اصلاح طلَبان از قتل میترا استاد توسط نجفی، آن‌قدر سوال‌برانگیز و قبیح است که سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی در بیانیه‌ای از فعالان اصلاح‌طلب درخواست کرد «به تنش‌ها و تشتت‌ها خاتمه دهند».

اگرچه واکنش طبیعی که انتظار می‌رفت، انفجار خشم عمومی از این جنایت و همدلی با مادر و پسر ۱۳ ساله قربانی باشد، اما ماجرا روندی کاملاً متفاوت یافت. ماشین تبلیغاتی و پروپاگاندایی و رسانه‌ای عظیمی بلافاصله به راه افتاد. جریانی که از اصلاح‌طلب داخلی تا ضدانقلاب خارج‌نشین تشکیل شده بود از مقتول یک هیولا ساختند و از قاتل یک قربانی مظلوم؛ اما نکته جالب در این میان موضع‌گیری‌های متفاوت فمنیست‌ها بود. این دسته از مدعیان اصلاح‌طلبی که سال‌ها خود را مدافع حقوق زنان معرفی کرده بودند و با خشونت علیه زنان مبارزه می‌کردند، به یکباره تمام شعارهای خود را فراموش کرده و بدون آنکه چیزی اثبات شود طرف قاتل را گرفتند و در این مسیر، هر تهمت زشتی که برای تبرئه نجفی می‌توان استفاده کرد را به مقتولی که کمترین توان دفاع از خود نداشت، بستند...

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی
شماره ۷۸
نیمه دوم خرداد ۱۳۹۸

فرضیه

تلویزیون و سریال هایی که به خشم جامعه دامن می زنند

حامد محمدی‌کنگرانی
روان‌پزشک

یا باید پایان این سریال‌ها تلخ و واقعی باشد یا یک پایان خوش آبکی که در آن صورت خشم مردم بیشتر می‌شود و به این نتیجه می‌رسند که حقشان توسط صداوسیما هم ضایع شده چرا که در دنیای واقعی قرار نیست پایان‌ها به این خوبی و خوشی باشد. در طول ۲۵ قسمت زجر و بدبختی و فلاکت را دیدند و پایانش با از خودگذشتگی یک کاراکتر یا ریش‌سفیدی یک بزرگ‌تر تمام می‌شود؛ چیزی که در عالم واقع آن را نمی‌بینیم.

در روزهای گذشته دو خبر روی خروجی خبرگزاری‌های مختلف قرار گرفته بود. یکی اینکه میزان نزاع خیابانی در چند سال گذشته در کشور افزایش پیدا کرده و دیگر اینکه ایران سومین کشور پرخاش‌گر دنیا است.

این دو خبر نشان می‌دهد در طول سال‌های اخیر آن چیزی که بیشتر در کشور ما افزایش پیدا کرده و این افزایش را به وضوح می‌بینیم، بحث خشم است. اگر بخواهیم از دو کلمه کلیدی به عنوان دلایل این موضوع استفاده کنیم، یکی بی‌عدالتی است و دیگر عدم اعتماد. در طول سال‌های اخیر یک احساس بی‌عدالتی در کشور در اکثر حوزه‌ها به دلایل مختلف در حال افزایش بوده است. الان هم خوشبختانه یا متاسفانه با گسترش فضای مجازی این بی‌عدالتی بیشتر دیده و حس می‌شود.

اما سوالی که در این زمینه پیش می‌آید این است که سازمانی که باید به شادی اجتماعی و ایجاد عدالت و کاهش تبعیض و برقراری عدالت کمک کند و راهکارهایی بدهد برای اینکه مردم در این شرایط اقتصادی حالشان بهتر شود، آیا به وظیفه خودش عمل می‌کند؟

در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، اوج دوران ساخت فیلم‌های طنز در سینمای آمریکا بود و دلیلش هم بحران اقتصادی بود که گریبان آمریکا را گرفته بود؛ یعنی وقتی مردم با بحران اقتصادی درگیر بودند، سینما برای اینکه بتواند مردم را سرگرم کند، سراغ ساخت فیلم‌های طنز رفت. آیا تلویزیون ما هم کار متناسبی با شرایط اقتصادی امروز انجام می‌دهد؟

نکته بعدی این است که ماه رمضان هم قرار است ماه معنویت باشد و کمک کند که انسان‌ها شرایط هم را بهتر درک کنند و این معنویت از نظر روان‌شناختی باید باعث ایجاد آرامش در افراد و نزدیکی آن‌ها به یکدیگر شود و باعث شود که افراد درد و رنج همدیگر را حس کنند و شرایط مالی و گرسنگی فقیران را بچشند و به آن‌ها نزدیک شوند. این‌ها بخشی از فلسفه‌های روزه بوده است. نکته دیگری که همیشه در تلویزیون وجود داشته این بوده که سریال‌هایی بسازیم که مردم به هم نزدیک شوند. تا سال‌ها پیش این رویکرد وجود داشت که سریال‌های طنز و سریال‌های ماورایی در کنداکتور ماه رمضان جای می‌گرفتند. فارغ از اینکه اصلاً این سریال‌ها چقدر بار هنری داشتند، بودن افرادی مثل رضا عطاران و مجید صالحی و شعارهای اخلاقی گل‌درشت ویژگی‌های اصلی این سریال‌ها بودند و به هر حال تا حدودی جواب می‌داد و مشکلات مردم در سطوح پایین‌تر و نزدیکی و همدلی آن‌ها به هم را تا حدودی نمایش می‌داد.

امسال به صورت معناداری چینش سریال‌ها از نظر محتوا با سال‌های قبل متفاوت است و به خشمی که در ابتدا به آن اشاره شد و آمارها نشان می‌دهد در جامعه در حال افزایش است، دامن می‌زند. این را هم باید در نظر گرفت که ما درباره تلویزیونی صحبت می‌کنیم که سال‌ها سینما را به سیاه‌نمایی متهم می‌کرد. عباس کیارستمی و اصغر فرهادی سال‌ها از سوی همین تلویزیون متهم به نشان دادن فضای تیره از کشورمان بودند.

حالا صداوسیما در شرایطی که بودجه ندارد و سوءمدیریت در آن بارز شده و احتمالاً باید تلاش کند از این فرصت‌های آخر برای اینکه بتواند در میان مردم حداقل به وظیفه خودش عمل کند، استفاده کند اما به نظر می‌رسد در عمل، این اتفاق رخ نداده است. تلویزیون خودش هم در مسیر ژانر نکبتی قرار گرفته که سال‌ها سینما را به آن متهم می‌کرد. باید پرسید آیا این موضوع یک سیاست در میان مسئولین صداوسیما بوده مبنی بر اینکه بخواهند واقعیت‌های جامعه را به شکل اغراق‌شده‌ای نشان بدهند، برای اینکه مثلاً عدم توانمندی دولت را زیر سوال ببرند یا واقعاً یک بی‌برنامه‌گی مشخصی بوده درباره این که فقط هر شبکه یک سریال بسازد فارغ از اینکه بداند آن یکی شبکه چه می‌کند؟ اتفاقی که بارها در صداوسیما شاهد آن بودیم.

آنچه از برآیند سریال‌ها دیده می‌شود این است که چه ناخودآگاه و چه خودآگاه، سریال‌هایی که ساخته شده کاملاً در راستای همان مضامینی است که در ابتدای یادداشت به آن اشاره شد؛ احساس بی‌عدالتی و خشم ناشی از آن. در جامعه ما الان همه همدیگر را مقصر می‌دانند، همه حقشان خورده شده و سر همدیگر را کلاه می‌گذارند، همه از دست هم عصبانی و ناراحت و خشمگین هستند. یا شکایت می‌کنند یا داد می‌زنند و فحش می‌دهند یا پرخاشگری فیزیکی انجام می‌دهند یا سکوت می‌کنند و این خشم و پرخاشگری را جای دیگر ابراز می‌کنند.

اگر ما با یک سیستم علمی طرف بودیم که یک سری مشکلات را موشکافی و بررسی می‌کند و بعد برایش یک راهکار ارائه می‌کند، داستان فرق می‌کرد. ما یک بحثی را داریم که آیا واقعاً هنرمند باید راهکار ارائه دهد یا باید فقط معضل‌ها را بیان کند؟ وقتی معضلات را بیان می‌کنید به هر حال باید یک راهکارهای ضمنی درباره اینکه مردم در این شرایط باید چه کارهایی انجام بدهند هم ارائه بدهید. این سیستم و این هنرمندان این توانمندی را ندارند که در آخر مردم را به یک آرامش یا یک راهکار قانونی یا فرهنگی روان‌شناختی اجتماعی راهنمایی کنند و به آن‌ها آرامش بدهند. تجربه نشان داده که قطع به یقین آخر این سریال‌ها یک پایان خوش الکی دارد.

در نهایت داستان این است که ما با ساخت این سریال‌ها عملاً این حق را به بیننده‌ها می‌دهیم که به این قضاوت برسند که بی‌عدالتی در جامعه چقدر زیاد است و چقدر حق مردم خورده می‌شود و به درست یا غلط این افراد چه کارهایی انجام می‌دهند. تجربه نشان داده که راهکاری که در پایان برای رفع مشکلات کاراکترهای سریال‌ها و تنش میان آن‌ها داده می‌شود، از نظر علمی و روان‌شناختی راهکار درستی نیست. در فضای بسته صداوسیما و با محدودیت‌هایی که وجود دارد و یا شاید به این دلیل که نویسنده‌ها علمش را ممکن است نداشته باشند نهایتاً این سریال‌ها با یک پایان‌های کلیشه‌ای با پیام‌های اخلاقی در باب گذشت، فداکاری و معنویت تمام می‌شود.

اما واقعیت این است که وقتی مردم سختی اقتصادی را با گوشت و پوست و استخوان خودشان لمس می‌کنند و در طول بیست و شش، هفت قسمت به خشمشان دامن زده می‌شود و مدام از حق‌خوری و برادرکشی گفته می‌شود، اینکه در پایان یک راهکار کلیشه‌ای و کودکانه و ساده‌لوحانه بدهیم عملاً باز هم حق مردم را ضایع کردیم. مردمی که در دنیای بیرون با یک حجمی از خشم و دلخوری و بی‌عدالتی روبرو هستند، چنین پایان کلیشه‌ای هم به خوردشان بدهیم به خشمشان دامن زده‌ایم.

شاید قبلاً شوخی‌ها و طنازی‌های رضا عطاران، حمید لولایی و علی صادقی مردم را به این می‌رساند که این‌ها همه کمدی بوده و پایان خوش هم به آن فضای کمدی می‌چسبید اما وقتی بی‌عدالتی را در یک سریال به صورت کاملاً رئال می‌بینیم آن وقت است که آن پایان کلیشه‌ای عملاً به خشم مردم دامن می‌زند و رسانه وظیفه خودش را نه‌تنها درست انجام نمی‌دهد بلکه خودش هم در پایان تبدیل به یک نقض غرض می‌شود و به خشم جامعه دامن می‌زند.

امسال یکی از بزرگ‌ترین اتفاقاتی که در تلویزیون افتاد و دست کسی هم نبود تمام شدن برنامه «ماه عسل» بود. اینکه بگوییم آیا احسان علیخانی می‌خواهد نماینده تفکر صداوسیما باشد که می‌خواهد از گریه و زاری به سمت شکوفایی و یک عصر جدید برود هم سرابی بیش نیست و عملاً این تغییر رویکرد را نمی‌بینیم.

صداوسیما کاملاً در جهت بی‌عدالتی، خشم و تقویت این احساسات ناخوشایند در بین مردم قدم برمی‌دارد و آن کارکرد اولیه تلویزیون که سرگرمی است و در پی آن اثر مثبتی که باید در فضای معنوی ماه رمضان بگذارد و ایجاد نشاط اجتماعی کند و به افزایش سلامت روان در جامعه کمک کند و ویژگی‌های اخلاقی را تقویت کند را ندارد و در نگاه واقع‌بینانه به همه این‌ها صدمه می زند. چون در یک باکس پربیننده، افراد زیادی از سنین مختلف این سریال‌ها را می‌بینند. به نظر می‌رسد به شدت کمبود یک تفکر، برنامه‌ریزی، نگاه روشن و گشایش‌گر در ساختن برنامه در صداوسیما احساس می‌شود و از سوی دیگر مسئولان این رسانه از میزان آسیبی که به جامعه می‌توانند بزنند یا اطلاع ندارند یا برایشان مهم نیست.

تفحص

جنایت و مکافات یک وزیر و شهردار!

محمدرضا زمانی درمزاری
حقوقدان

خبر قتل میترا استاد، همسر دوم محمدعلی نجفی، وزیر پیشین آموزش و پرورش و شهردار سابق تهران و قرار گرفتن وی در جایگاه متهم به قتل، منتشره در رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف، با بازخوردها و واکنش‌های متعدد و گسترده در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار بوده است.

آیا اتهام مطروحه منتسب به این مقام عالی رتبه سیاسی است و وی مباشر اصلی آن است؟ آیا مراجع قضایی و انتظامی و رسانه‌ها مجاز به انتشار مشخصات متهم و جزییات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی هستند؟ مبنای اعلام نظرات متعدد متهم و مصاحبه‌های مختلف وی با رسانه‌ها، بدون حضور و ظهور حقوقی وکیل مدافع وی یا جلب نظر مشورتی و حقوقی با وکیل نامبرده، به ترتیب مشهود در گزارش‌های منتشره چگونه قابل توجیه است؟ مبنای ورود خبرنگاران و گزارشگران رسانه‌ها و صداوسیما در اداره آگاهی تهران بزرگ و دادسرای امور جنایی تهران و تهیه گزارش‌های متعدد و انتشار آن، با وجود قرار داشتن پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی و محرمانه بودن آن برابر قانون چه است؟ و با چه هدفی نسبت به انتشار آن‌ها اقدام شده است؟ مبنای اعلام نظر صریح برخی از مقامات قضایی و انتظامی نسبت به جزئیات پرونده و منتسب کردن (شدن) اتهام مطروحه به متهم و ذکر مشخصات وی و انتشار گسترده آن در رسانه‌ها، با وجود ممنوعیت قانونی انتشار آن‌ها و محرمانه بودنِ تحقیقات مقدماتی پرونده از حیث قانونی چیست؟ و مرجع تعقیبِ مسئولیت قانونی و انتظامی آنان در این باره کیست؟ و چگونه باید اقدامات مزبور، در راستای حفظ حقوق متهم و حریم خصوصی مورد احترام در قانون و نظم عمومی جامعه توجیه شود؟ مبنای اعمال خشونت و ارتکاب به قتل مطروحه نسبت به یک انسان چیست؟ و چگونه باید سلب حق حیات یک انسان، به لحاظ حقوقی، اخلاقی و انسانی توجیه گردد!؟ صرف‌نظر از انتساب یا عدم انتساب این اتهام به وی و مکافات و مسئولیت قانونی مترتب بر این جنایت، در صورت اثبات آن، بررسی ابعاد قانونی و حقوقی آن دارای اهمیت است که به اجمال، بدان خواهم پرداخت.

نگاهی کوتاه به خبر قتل میترا استاد

اخبار منتشره در رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های مجازی، حکایت از قتل میترا استاد، همسر دوم محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران در منزل شخصی خویش در شهرک غرب، متواری شدن وی، منتسب کردن احتمالی آن به نامبرده، تسلیم و بازداشت بعدی وی با حضور در اداره آگاهی تهران بزرگ، میزبانی و پذیرایی محترمانه مرجع انتظامی مزبور نسبت به وی در ماه رمضان با وجود انتقادات گسترده نسبت بدان از حیث لزوم برابری حقوق مردم و مسئولان و حمایت برابر قانون از همه مردم به تجویز اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی و واکنش‌های بعدی مسئولان انتظامی در این باره، اعتراف نامبرده به ارتکاب به قتل همسر خویش به علت اختلافات خانوادگی و برخی ملاحظات سیاسی و امنیتی مطروحه و منتشره در رسانه‌ها، توئیت منتشره خبرنگار انصاف نیوز، مبنی بر اعلام برنامه مصاحبه مقتول در روز قتل وی با آن رسانه! و یا طرح ادعای صحنه‌سازی و سناریوی حذف سیاسی نجفی، انتشار اظهارات سرور تابشیان (همسر اول) و زهرا نجفی (دختر وی) و طرح رسانه‌ای ادعاهای آن‌ها نسبت به وضعیت وی و مقتول و مناسبات فیمابین آن‌ها، نامه نگارش یافته نجفی برای خانواده خود در این ارتباط، «عدم مباشرت نجفی در قتل مقتول و پذیرش مسئولیت قانونی مرتکب»، بنا به برخی از اخبار منتشره و مانند آن‌ها که صرف‌نظر از صحت و سقم هر یک از این اخبار و گزارش‌های و ادعاهای مطروحه آن‌ها، همراه با جهت‌گیری‌های رسانه و برخی از فعالان سیاسی در توجیه یا رد اقدام مزبور و تفاسیر شخصی و سیاسی مورد ادعای آن‌ها در این باره و نیز پوشش رسانه‌ای گسترده این خبر و تصاویر حضور نامبرده در اداره آگاهی از سوی رسانه ملی بوده است!

همزمانی قتل میترا استاد با تحولات گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی

در پی اختلافات فزاینده سیاسی و بین‌المللی دولت‌های ایران و ایالات متحده آمریکا و اخبار منتشره مربوط به حضور ناوگان‌های آن کشور در منطقه خلیج فارس و نگرانی‌های فزاینده مربوط به احتمال وقوع جنگ و درگیری منطقه‌ای بین این دو کشور و کشورهای منطقه و متحدان آمریکا، گمانه‌زنی‌های سیاسی و اقدامات دیپلماتیک آن دولت‌ها و دولت‌های ثالث در این ارتباط و قرار داشتن اخبار این موضوع در صدر خبرهای منتشره رسانه‌های داخلی و خارجی، انتشار فوری و گسترده خبر قتل همسر دوم وزیر پیشین آموزش و پرورش و شهردار سابق تهران و یکی از فعالان ستاد انتخابات حسن روحانی و چهره مشهور منتسب به جناح اصلاحات و پوشش خبری فراوان آن در داخل و خارج از کشور با وجود محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و منع قانونی انتشار آن‌ها و همکاری فراوان نامبرده به عنوان مظنون و متهم به قتل میترا استاد در انجام مصاحبه‌های متعدد رسانه‌ای با خبرگزاری‌های مختلف و عدم استفاده از «حق سکوت» و بهره‌مندی از ظرفیت‌های قانونی و حقوقی مربوط به وکیل مدافع خویش، در راستای حق بر معاضدت و مشاوره حقوقی و دسترسی به وکیل، در بدو امر، سبب کم رنگ شدن گسترده موضوع تحولات منطقه‌ای و متاثر شدن آن از بازخوردهای ملی و بین‌المللی این جنایت هولناک در جامعه ایرانی و سیاسی کشور به مانند حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو در پی فوت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی شده است...!

رویکردهای مطروحه نسبت به قتل میترا استاد

خبر انتشار قتل همسر دوم محمدعلی نجفی، شهردار پیشین تهران و چهره مشهور اصلاح‌طلبان، موجی از تالم و تاسف و تعجب همگان را برانگیخت! با وجود آنکه، بسیاری از گروه‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب سیاسی در مقام تبیین آن از منظر جهت‌گیری‌های سیاسی مربوط به خویش نیز بوده‌اند، برخی دیگر نیز با سکوت و انفعال نسبت بدان، در جهت نظاره‌گری موضوع و نتایج آتی این پرونده برآمده‌اند و بر این باورند که «پرونده، سرشار از نقاط مبهم و نکات پنهانی است و قضاوت در این باره هنوز زود است و صرف اقرار ظاهری متهم برای روشن شدن واقعیت و قضاوت کافی نیست!» عده‌ای نیز انتساب این اتهام به مرتکب آن را به منزله نفی سوابق سیاسی و خدمات دولتی وی ندانسته و تاکید بر لزوم حفظ و نکوداشت آن و ضرورت حفظ حقوق متهم، حق دفاع وی و رعایت حریم خصوصی نامبرده و مقتول را مورد اشاره داشتند و برخی دیگر نیز در راستای اصل برابری حقوق مردم و مسئولان، بر لزوم پذیرش مسئولیت مرتکب و لزوم تعقیب قانونی وی و مجازات وی تاکید کرده‌اند. برخی مدعی وجود سناریوی پنهانی و از پیش تعیین شده در جهت حذف سیاسی محمدعلی نجفی و جناح سیاسی متبوعه وی، در پی افشاگری‌های به عمل آمده در ایام کوتاه تصدی مدیریت شهرداری وی و لزوم حذف عملی و نهایی نامبرده شده و برنامه افشاگری مقتول نسبت به اسرار وی، در آستانه قتل نامبرده و لزوم ورود دادستان و تعقیب قانونی مراتب گردیده و بعضی دیگر نیز وی را قربانی مطامع و اهداف سیاسی پشت پرده جناح‌های مربوطه دانسته که منجر به پایان سرنوشت سیاسی وی و مُثله شدن نهایی مقتول و زندگی هر دو شده است! ا... اعلم!

با این وجود، بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نیز به خود اجازه ورود به حریم خصوصی نامبرده و مقتول و انتشار تصاویر و اخبار مرتبط با زندگی شخصی و خصوصی وی و حتی، اظهارات فرزند صغیر مقتول و تصاویر وی را به خویش داده و با نشر اخبار و گزارش‌های ضد و نقیض مربوط به موضوع و پرونده موجبات سردرگمی افکار عمومی و پیش‌داوری‌ها و قضاوت گسترده آن‌ها را در عمل، فراهم آوردند و برخی نیز ادعای مهدورالدم بودن احتمالی مقتول یا انتساب وی به برخی از نهادها را در راستای اظهارات متهم و منتسب به وی را به عنوان مبنا و انگیزه ارتکاب به قتل وی در گزارشات منتشره، مدعی شده‌اند!

در همین ارتباط، این سوال مطرح است که رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها، بویژه رسانه ملی، با وجود ممنوعیت انتشار محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی، چرا و با چه هدفی در مقام انتشار مکرر آن و تصاویر و ویدئوهای مربوطه، برخلاف الزامات قانونی مقرر در مواد ۹۱ و ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری برآمده‌اند؟ و مبنای و هدف این شیوه «دادرسی کیفری یا رسیدگی رسانه‌ای نسبت به پرونده قتل میترا استاد» چیست؟ و با کدامین اصول دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی هماهنگ و منطبق است! جایگاه بازپرس ویژه قتل در فرایند تحقیقات مقدماتی و گزارش‌های رسانه‌ای منتشره و مشهود بودنِ حضور و ظهور ضابطان دادگستری به جای بازپرس در انتشار و اعلام نظِرهای رسانه‌ای مرتبط با تعقیب دادرسی کیفری در این باره چگونه قابل توجیه است؟

محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری

برابر ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری، «تحقیقات مقدماتی به‌صورت محرمانه صورت می‌گیرد مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرف‌های محکوم می‌شوند» و طبق ماده ۹۶ آن قانون نیز، «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است...» و با عنایت به متواری نبودن متهم پرونده و معرفی خود به اداره آگاهی، موجبی برای انتشار تصویر و مشخصات وی به تجویز مقرر در بند الف و ب آن ماده نیز نیست!

بر این اساس، پاسخ رسانه ملی، دادسرای امور جنایی و اداره آگاهی تهران بزرگ و ریاست پلیس تهران بزرگ در ارتباط اخبار و گزارش‌های منتشره در این باره و لزوم رعایت الزام قانونی مزبور چیست!؟ و با وجود ممنوعیت انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی به موجب ماده ۹۶ آن قانون، مبنا و هدف از اطلاع‌رسانی گسترده اطلاعات مربوط به آن پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی، نمایش مستمر و مکرر وزیر پیشین آموزش و پرورش و شهردار سابق تهران به عنوان متهم به قتل و با دست‌بند و در لباس متهم و عدم رعایت شان و جایگاه قانونی وی و لزوم حفظ و رعایت حریم خصوصی و حقوق دفاعی وی برابر الزامات قانونی مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری و نیز مبنای عدم ورود و اعلام جرم دادستان و تعقیب قوه قضاییه نسبت به مسئولیت قانونی اخبار و گزارشات منتشره و همزمان پوشش خبری مصاحبه‌های مسئولان قضایی و انتظامی برخلاف الزامات قانونی مزبور، با وجود ادعای مراجع قضایی و انتظامی در دارا بودن استقلال قانونی مربوطه چیست؟ و از حیث رعایت حقوق متهم و اصول دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی، چگونه قابل توجیه است!؟

ضرورت اعلام جرم و ورود دادستان نسبت به مسئولیت قانونی اخبار و گزارش‌های منتشره

نظر به الزامات قانونی مقرر در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری و با عنایت به محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی و منع انتشار آن‌ها و لزوم رعایت حریم خصوصی متهم و بزه‌دیده و سایر اشخاص دخیل در فرایند دادرسی کیفری و تحقیقات مقدماتی و با عنایت به اخبار و گزارش‌های ضد و نقیض منتشره در رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها و شبکه‌های مجازی، برخلاف الزامات قانونی مزبور، ضروری است، دادستان کل کشور و دادستان تهران، به منظور فراهم آوردنِ موجبات حسن اجرای قانون و هدایت یک دادرسی کیفری عادلانه نسبت به این پرونده، ضمن اعلام جرم و ورود به موضوع، در مقام تعقیب مسئولیت قانونی انتشار دهندگان اخبار و گزارشات مزبور و اطلاعات مربوط به تحقیقات مقدماتی پرونده برآمده و دادسرای امور جنایی و مراجع انتظامی را به رعایت بیشتر الزامات قانونی مزبور نیز به عنوان مدعی‌العموم و در راستای حفظ نظم عمومی کشور و اهداف مقنن و انتظارات شهروندان و جامعه بخردان رهنمون سازند.

آیت ماندگار
یاد و یادگار

طرح جلد: نیما شاهمیری
کارتونیست

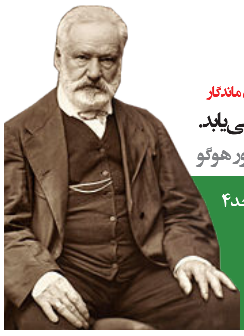

نشان ماندگار
آزادی ما از نقطه‌ای شروع می‌شود که آزادی دیگران پایان می‌یابد.
ویکتور هوگو

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
سردبیر: امیرحسین مصلی
مدیر هنری: عالیه اعتمادیان
وب سایت: www.ayatemandegar.ir

آدرس: تهران - خیابان مطهری - خیابان میرعماد - کوچه نهم - پلاک ۳ - واحد ۴
تلفن: ۸۶۰۴۳۱۱۲
چاپ: نقش افست گرافیک
پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

سرمقاله

راه نجات محیط زیست کشور چیست؟

عباس محمدی
کارشناس محیط زیست

محیط زیست کشور ما در بدترین شرایط تاریخ خود است. یکی از بالاترین نرخ‌های فرسایش خاک در جهان را داریم، در وضعیت ورشکستگی منابع آبی به سر می‌بریم، مراتع کشور تا سرحد مرگ چرا شده‌اند و هیچ چشم‌اندازی برای کم‌تر شدن تعداد دام‌هایی که در کوه و دشت‌های فقیرشده‌مان می‌چرند به چشم نمی‌خورد، آلودگی هوا و پهنه‌های آبی بسیار بالاتر از استانداردها است و... اما، راه نجات محیط زیست کشور چیست؟

آیا به قول بعضی‌ها «دیگر فایده ندارد، و باید کاری اساسی کرد» یا باید گذاشت و از این مملکت رفت؟! یا برعکس، باید با تلاش برای بهتر ساختن محیط در هر مقیاسِ ولو جزئی، گفت‌وگو با تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، فضاسازیِ اجتماعی و مطالبه‌گری و... در حفظ این تکه زیبا و تاریخی از زمین بکوشیم؟

در بحث حفاظت از محیط زیست (مانند دیگر موضوع‌های اجتماعی) بسیار مواقع می‌بینیم که فردی می‌گوید نباید با فلانی یا فلان دستگاه بحث کرد، آنان با ما سر عناد دارند و با محیط زیست دشمن‌اند! مثلاً می‌گویند که با سدسازان (شرکت‌های پیمانکار، مدیران ارشد وزارت نیرو و...) نمی‌توان تعامل کرد؛ دیدار با آنان فقط تلف کردن وقت است؛ آنان می‌خواهند ما را در چنبره بحث‌های فنی اسیر کنند و دهان‌مان را ببندند؛ گاهی نیز شاید با دادن امتیازی کوچکی در حد نواله، ما را جیره‌خوار خود کنند؛ ما باید فقط ایشان را افشا یا طعن و لعن کنیم! واقعیت اما، این است که خیلی‌ها راه ساده‌تر انتقادِ صِرف را برگزیده و حوصله یا حجت کافی برای مجهز کردن خویش به دانش و مهارت لازم برای رویارویی با «دیگری» و نشان دادن راه‌های بدیل یا منصرف کردن طرف مقابل از دست زدن به اقدام‌های خلاف منافع عمومی و محیط زیست‌مان را ندارند.

تجربه دیدن شیوه‌های «قاطعانه» و ایستادن بر سر مواضع (ولو حق) که عده‌ای از دوستان در سال‌های گذشته پیش گرفته‌اند، نشان می‌دهد که بیشترِ این افراد یا پس از چند سال، از فعالیت در راه حفظ سرمایه‌های طبیعی و ملی خسته می‌شوند و با ناله آن را کنار می‌گذارند، یا تبدیل به آدم‌هایی ایرادگیر می‌شوند که سرمایه‌های اجتماعی و مادی زیادی از خود و دیگران (جامعه) را بیهوده صرف تکرار آن‌چه که ملکه ذهن‌شان شده می‌کنند. اینان، دیگر به حصول نتیجه نمی‌اندیشند، چرا که دستیابی به موفقیت را (که نپذیرفته‌اند نسبی است) برای خود ناممکن ساخته و در عمل فقط برای آرمان خود سوگواری می‌کنند.

فضای اجتماعی البته دلسردکننده است، حرف حساب به گوش خیلی‌ها نمی‌رود، و از این بدتر: بعضی‌ها که ما می‌خواهیم حرف حساب‌مان را به ایشان بقبولانیم، از خود ما بهتر راه درست (نفع همگانی) را می‌شناسند، اما عامداً کار خود را می‌کنند و ما را نادیده می‌گیرند، چون نفع‌شان در این است. با این حال، راه دیگری نداریم؛ «کار اساسی»ای در کار نیست! باید ضمن تلاش فرهنگی و روشنگری و یادگیری و یاد دادن، با آن کسی که سبب‌ساز تخریب داشته‌های طبیعی‌مان است، گفت‌وگو کنیم و اطمینان داشته باشیم که دیگرانی هم هستند که ما را همراهی کنند و با اثر هم‌افزایی آنان، نیروی بازدارنده‌ای در برابر مخربان فراهم سازیم و به پیروزی‌های کوچک و گام‌به‌گام، اما پیوسته دست یابیم.

گالری

الهام رجبی
کارتونیست

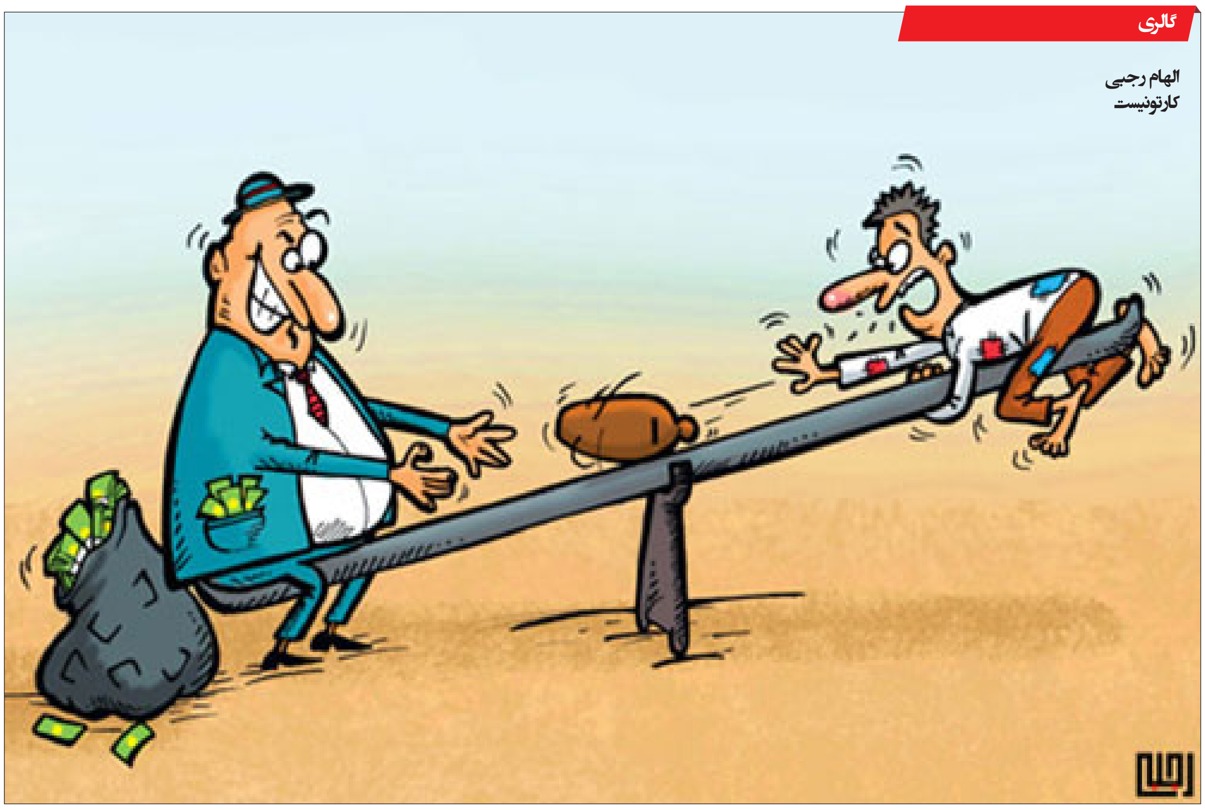

یادواره

نگاهی به آغاز نهضت امام خمینی

۱۵ خرداد در مطبوعات جهان

قیام پانزدهم خرداد، جوششی از طرف مردم بود برای درهم کوبیدن رژیم سلطنت و گرچه به سرعت نتیجه قطعی نداد، آثار بسیار باقی گذاشت. از این‌رو، عوامل رژیم حاکم، به روش‌های گوناگون کوشیدند با استفاده از همه امکانات و از جمله رسانه‌های گروهی، جنبه اسلامی و مردمی را از آن بگیرند و جهت خارجی به آن داده، افکار عمومی را فریب دهند. بنابراین رژیم مدعی شد که عده‌ای از مردم، برای به دست آوردن پول، به تهاجم بر ضد دولت دست زده‌اند و گفتند که این پول‌ها را شخصی به نام جمال عبدالناصر فرستاده تا در ایران، توطئه‌هایی صورت گیرد. البته با همه این تلاش‌ها و ادعاهای پوچ و بی اساس، شعله قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، روز به روز روشن‌تر می‌گردید.

پس از قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، مطبوعات خارجی به صورت‌های مختلف و با تیترهایی درشت، از این روز نام بردند. برای مثال روزنامه «دی ولت» در شماره ۱۲۹ خود نوشت: «در تهران، صدها نفر کشته شده‌اند. دولت عَلَم، حکومت نظامی اعلام کرد. ارتش با تانک و مسلسل، بر ضد طرفداران رهبر مسلمانان، [امام] خمینی که علیه اصلاحات شاه دست به اعتراض زده‌اند، وارد عمل شد». یا روزنامه «الاهرام» در ۱۶ خرداد نوشت: «دیروز تهران در آتش خشم شعله‌ور شد... این، شدیدترین تظاهرات ضد شاه بود و هنگامی آغاز شد که رهبر دینی، روح ا... خمینی و یاوران او دستگیر گردیدند».

پس از واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، با وجود سانسورهای شدید دستگاه شاه، خبرهای دستگیری امام خمینی (ره) و قیام ۱۵ خرداد؛ در مدت کوتاهی، نه تنها در سراسر کشور که به فراتر از مرزها گسترش یافت و موجی از نفرت و خشم بر ضد شاه به راه افتاد. تمام این جریان‌ها در حالی صورت می‌پذیرفت که در مطبوعات کشور هیچ خبری از حقایق و وقایع منعکس نمی‌شد.

شعرخوانی

نگاه‌ها چه ظالمانه جای کلمات را گرفته‌اند
سکوت چه قدر جای صدا را
هنوز نگفته‌ام دوستت دارم
نگاهم اما به عربده گفت
عربده‌ای که نرگس حافظ را پژمرده کرد
هنوز نگفته‌ای دوستت دارم
سکوتت اما بارانی شد
و دل صنوبری خشکم را خرم کرد
در این تابوت آرواره، سروی به شکل دل آدمی بود
سروی مرده در خشکسال مهر
از مژگان میترائی تو آفتابی جاری شد

مرده بیدار شد و تابوت را شکست
و شلنگ‌انداز خیابان‌ها را باغ سرو کرد
سکوت چه قدر جای صداها را می‌گیرد هنوز
نگاه چه ظالمانه جای کلمه‌ها را
این تقدیر دیدار بی‌گاه ما نیست
از تمامی تاریخ بپرس

منوچهر آتشی